



بررسی میزان حضور و باهمایی عناصر سازنده طرحواره احساس در زبان فارسی

حسن ختن‌لو^۱

سیده ساره صادقی^{۲*}

مقاله پژوهشی

چکیده

چکیده‌ای کلی از نحوه نمایش احساس نشان داد طرحواره‌ای کلی برای احساس وجود دارد که از عناصر علت، اثر جانبی، کنترل و واکنش تشکیل شده است. بدین ترتیب در رویکردی پیکره‌مدار، ابتدا ۵۰۰۰ جمله توسط داور انسانی مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص گردد که کدام یک از عناصر ذکر شده طرحواره احساس، در سند حضور دارد. با استفاده از نتایج به دست آمده مشخص گردید که در احساس خشم بیشتر عنصر واکنش و در عنصر ترس و حیرت بیشتر عنصر علیتی احساس اهمیت دارد. در احساس‌های غم و شادی به‌طور میانه حضور تمامی عناصر مشاهده می‌گردد. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که برحسب همین عناصر علت و واکنش، ساختارهایی که از این موارد استفاده کرده‌اند بیشترین بسامد را دارند. احساس غم، شادی و خشم بیشتر به ساختارهایی که واکنش در آنها صورت گرفته است تمایل دارند و احساس حیرت و ترس بیشتر به ساختارهایی که به علت ایجادکننده این احساس‌ها می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: طرحواره احساس، رویکرد پیکره‌مدار، باهمایی عناصر احساسی.

✉ hkh@basu.ac.ir

۱- دانشیار، گروه مهندسی کامپیوتر، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

✉ s.sadeghi94@basu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران*

۱- مقدمه

تعریف احساس را مطابق با آنچه اکثر پژوهشگران بر آن توافق دارند می‌توان به تعاریف داده شده در این زمینه (اکمن، ۱۹۹۲) ارجاع داد. اکمن روانشناس معروف آمریکایی احساسات را حالات مختلف ذهنی می‌داند که در اثر برخورد با مسائل مختلف زندگی در ذهن فرد ایجاد می‌شود. وی احساسات انسان را به دسته‌های کلی خشم، ترس، غم، شادی، حیرت تقسیم‌بندی کرده است و برای هر کدام از احساسات ویژگی‌هایی تعریف کرده که آن را از دیگر احساس‌ها متمایز می‌کند. عصبانیت هنگامی روی می‌دهد که فرد احساس می‌کند در مورد وی بی‌انصافی شده است یا چیزی مانع از رسیدن وی به خواسته‌اش شده است. شادی را احساسات خوشایندی می‌دانند که در درون فرد بر اساس تجربیات درونی و بیرونی فرد شکل می‌گیرد. ترس را احساس ناخوشایندی می‌دانند که امنیت روانی و فیزیکی فرد را تهدید می‌کند. ناراحتی را نیز احساس ناخوشایندی می‌دانند که در اثر از دست دادن چیزی به فرد دست می‌دهد و نیاز به حمایت را در وی به وجود می‌آورد. حیرت را نیز حالت شگفتی در مورد امری می‌دانند که فرد انتظار وقوع آن را ندارد. بدین ترتیب مطالعه رابطه عبارات گفته شده به هنگام احساس‌های مختلف نشان می‌دهد که این عبارات به‌طور تصادفی پدید نیامده‌اند و به هنگام احساس‌های مختلف مطابق با طرحواره‌های پیش‌فرض، باید نوعی ارتباط نظام‌مند بین عبارات گفته شده وجود داشته باشد. در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، زبان ابزار مطالعاتی خوبی است که سبب می‌شود محتوا و ساختار مفهومی ذهن نمایش بیشتر شناخته شود. به دلیل آن که مفاهیم احساسی نیز بخشی از همین سیستم‌های شناختی ذهن هستند، آنها نیز مورد مطالعه زبان‌شناسی شناختی قرار می‌گیرند.

از جهتی دیگر به دلیل آن که بیشتر مطالعات انجام شده در زبان فارسی بیشتر به روابطی که بین احساس و زبان وجود دارد پرداخته است و به مطالعاتی همچون مطالعه مفاهیم ادبی احساس همچون استعاره (Metaphor) و کنایه (Metonymy) یا به شبه‌جمله‌های احساسی پرداخته شده است. این بار توجه به عناصر سازنده طرحواره احساس (Emotional scheme) ابعاد جدیدی از مطالعات را در زمینه احساس در زبان فارسی برای مطالعه و پژوهش بازگشایی می‌کند. بدین ترتیب در این پژوهش به مطالعه طرحواره کلی احساس پرداخته شده است که از چه عناصری تشکیل شده است و این عناصر تا چه میزان در متون احساسی حضور دارند. همچنین میزان حضور این عناصر برای هر احساس خشم، غم، شادی، ترس و حیرت به‌طور مجزا مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به باهمایی عناصر طرحواره احساس همچون عواملی که سبب بروز احساسی شده‌اند و اثرات جانبی ناشی از احساس وجود داشته است و ممکن است فرد اقداماتی را برحسب احساس خود انجام دهد پرداخته شد. در نهایت نتایج به‌دست آمده به‌خوبی نشان داد که هر احساس بیشتر بر کدام بخش از طرحواره احساس تمرکز دارد و از چه ساختارهایی در باهمایی این عناصر استفاده می‌کند.

۲- مرور پیشینه‌ها

از مباحث مهمی که در زمینه احساس مطالعه شده است بررسی روابط زبان و احساس و ترسیم عناصر طرحواره برای احساس است. در مورد روابط زبان و احساس می‌توان گفت که اگر فردی بخواهد به‌صورت علنی احساس

خویش را با استفاده از زبان بیان کند به چند طریق می‌تواند این کار را انجام دهد که در ادامه نمایش داده شده است (کوچش، ۲۰۱۳).

• روش بیانی

• روش توصیفی

○ ادبی: ساخت کنایی و استعاره

○ کاربردی: غیر سرنمون و سرنمون

ما انسان‌ها هنگامی که احساسات و حالات درونی خود را ابراز می‌داریم و به نشان دادن غم‌ها، شادی‌ها، حسرت، درد، تأسف و دیگر موارد می‌پردازیم از کلمات و اصواتی خاص استفاده می‌کنیم که بیانگر این حالات درونی ما و نشانگر عواطف ما هستند. به این گروه از کلمات که مانند جمله به‌تنهایی معنی مستقلی دارند، شبه جمله می‌گویند که مرتبط با روش بیانی هستند. بدین ترتیب کلماتی همچون "آه"، "هورا"، "وای" در بافت‌های زبانی به ترتیب نشان‌دهنده غم، شادی و تعجب می‌باشند را کلمات بیانی (Expressive) می‌گویند. این کلمات در درون خود معنای احساس را نشان می‌دهند اما آیا همه احساس‌ها همیشه بدین روش نشان داده می‌شوند؟ دسته دیگر از کلمات که احساس را وصف می‌کنند توصیفی (Descriptive) گویند. خود روش توصیفی به دو صورت است یا با استفاده از مفاهیم ادبی همچون استعاره و کنایه نمایش داده می‌شود و یا با استفاده از برخی کلمات به نمایش احساس می‌پردازد. بدین ترتیب کلماتی همچون "خشم"، "شادی"، "حیرت" و دیگر موارد جزو دسته کلمات توصیفی هستند. در میان کلمه‌های توصیفی همه کلمه‌ها به یک‌میزان دارای اهمیت نمی‌باشند و برخی‌ها نمونه‌های بهتری هستند و در شاخه احساس جزو سرنمون‌ها حساب می‌گردند و موارد دیگر غیرسرنمون می‌شوند.

در مورد مفاهیم استعاری و کنایی نیز، ساختارهایی همچون "چشمانش از خوشحالی برق می‌زد" یا "لبش از خنده شکفت" نشان‌دهنده احساس شادی و ساختارهایی همچون "از عصبانیت داشت منفجر می‌شد" یا "از کوره دررفت" نشان‌دهنده خشم افراد است. در استعاره مفهومی استعاره به‌صورت ویژگی از مفاهیم در نظر گرفته می‌شود و هنگامی که در زبان ظاهر می‌گردد این مفاهیم شناختی از جهان هستند که به‌صورت استعاره مفهومی نمایش داده می‌شوند. این ساختارها نیاز به آموزش خاصی ندارند و هر فردی در زندگی و محیط این تجارب را کسب می‌کند و آنها را به‌صورت ناخودآگاه به‌کار می‌برد. در حقیقت خود تفکر و ذهن ماهیتی استعاری دارند. مطالعات انجام شده بعدی در این حوزه به مرور به بررسی سطوح استعاره و حوزه‌های مرتبط با استعاره پرداخته است (کوچش، ۲۰۰۳، کوچش، ۲۰۱۷).

در زبان‌شناسی شناختی کلمه طرحواره برای مفهوم‌هایی استفاده می‌شود که از طریق تجربه شناختی ما حاصل گردیده است. بدین معنا که انسان سعی می‌کند با استفاده از تجربیات و شناختی که از محیط پیرامون خود دارد، در مورد مفاهیم ذهنی خود صحبت کند و آنها را به حالت ملموس‌تری تبدیل کند. طرحواره کلی که برای احساس‌های انسانی در زبان تعریف شده است به‌صورت مجموعه‌ای از عوامل است که در شرایط مناسب سبب بروز احساس در فرد می‌شود. احساس ایجاد شده از جهتی تأثیراتی روحی و فیزیکی بر فرد دارد و از

جهتی نیز فرد گرچه برای لحظاتی ممکن است کنترل خود را از دست بدهد، ممکن است بخواهد بنا به ملاحظات فردی و اجتماعی به حفظ کنترل خود بپردازد و به انجام اقداماتی بپردازد.

برای نمونه جمله‌ی "گرچه سعیده با شنیدن خبر مادر شوهرش از خوشحالی در ابرها پرواز می‌کرد ولی سعی کرد جلو بقیه خود را بی‌تفاوت نشان دهد" را در نظر بگیرید. عواملی همچون مادر شدن و شنیدن این خبر سبب شده است تا فردی خوشحال شود و همین احساس اثرات روحی خود را در درون فرد دارد که گویی فرد در عالم رؤیا به سر می‌برد. با وجود احساس شادی، ملاحظات اجتماعی و اخلاقی فرهنگی درون جامعه سبب شده تا فرد کنترل خود را به دست بگیرد و تلاش کند تا خود را کنترل کند و یا با انجام کاری دیگر خود را بی‌تفاوت نشان دهد. بدین ترتیب طرحواره کلی از احساس در ادامه به صورت مختصر نمایش داده شده است (کوچس، ۲۰۰۰):

علل _ احساس _ کنترل _ واکنش
|
اثر احساس

علیت (Cause) احساس را عامل جاندار و یا غیرجاندار همچون "باد"، "آب" می‌دانند که با انجام برخی از امور که همان علل طرحواره هستند سبب پیدایش احساسی در فرد می‌شوند. از طرفی تغییرات فیزیکی و روانی که در حالات و بدن فرد به وجود می‌آیند را اثرات جانبی (Effects) احساس می‌گویند. در ادامه این که فرد خویشتن‌داری کند و یا آن که کنترل خود را از دست بدهد به بخش کنترل مربوط می‌شود و اقداماتی همچون "فرار"، "فریاد زدن"، "پرواز کردن" در ارتباط با بخش واکنش (Reaction) فرد است. وجود این عناصر در جملات احساسی اجباری نیست و فرد هر زمان برحسب میزان اهمیتی که هر یک از این موارد برایش دارد می‌تواند از هر بخشی که بخواهد استفاده کند.

تالمی مشاهده کرده است که بسیاری از جنبه‌های زبانی را می‌توان با نظریه "محرک-نیرو" توضیح و تبیین کرد (تالمی، ۱۹۸۸). طرحواره بیان شده برحسب این که "علت‌ها نیروها هستند" بیان شده است و برای خود احساس چه در قالب جملات استعاری و چه در قالب جملاتی بیان شده با روش‌های دیگر کاربرد دارد. بدین ترتیب هر عاملی که سبب بروز احساسی شود و یا هر عاملی که سبب بروز واکنشی فیزیکی، رفتاری و بیانی شود می‌تواند مطابق با جمله‌ای که علت‌ها نیرو هستند بررسی شود. در ادامه به عواملی مرتبط با طرحواره نیرو اشاره می‌شود. این عوامل عبارت‌اند از:

- هستارهای نیرو: همورد (agonist) / همورد (antagonist)
- گرایش نیروی درونی: به سوی کنش / به سوی عدم کنش
- نتیجه تعامل نیرو: کنش / عدم کنش
- موازنه قدرت‌ها: هستاری قوی‌تر / هستاری ضعیف‌تر

کوچس همورد را خود منطقی در نظر می‌گیرد که تمایل به بی‌حرکتی و عدم تأثیرپذیری دارد. از جهتی همورد را عامل به وجود آورنده احساس و یا خود احساس می‌داند که سبب بروز واکنش می‌شود. بدین ترتیب

هنگامی که عاملی سبب بروز احساسی می‌شود همانند آن است که هم‌اوردی تلاش می‌کند تا با خود منطقی درگیری ایجاد کند و وی را تحت تأثیر قرار دهد که قسمت اول طرحواره احساس است. از چپتی احساس به‌وجود آمده نیز خود همچون هم‌اوردی در درون فرد برای انجام واکنش‌نیروهای را وارد می‌کند و گاهی خود منطقی در موازنه قدرت تحت تأثیر هم‌اوردی قرار گرفته و واکنشی انجام می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت که طرحواره ترسیم شده برای احساس را می‌توان در دو بخش مورد مطالعه قرار داد. الف) بخش ابتدایی که عاملی منجر به بروز احساسی می‌شود؛ ب) بخش دوم که احساس منجر به از دست دادن کنترل و اقدام واکنشی می‌گردد. در نتیجه ساختارهای مرتبط با احساس را می‌توان برحسب آن که تمرکزشان بر علت احساس، واکنش انجام شده و یا هر دو بخش احساس مورد مطالعه قرار داد که هر احساس بیشتر به کدام بخش تمرکز دارد. در مثالی دیگر نیز، بررسی عناصر سازنده احساس مرتبط با احساس خشم نشان می‌دهد که در جمله‌ای همچون "ننه از این که یاشار اغلب مدادش را گم می‌کرد عصبانی می‌شد و می‌گفت تو عین خیالت نیست". اثر جانبی خاصی مشاهده نمی‌شود ولی دیگر عناصر وجود دارند و در ادامه نمایش داده شده‌اند. همچنین در قیمت علت و واکنش حاصل از احساس بیان شده است.

- علت احساس: یاشار اغلب مدادش را گم می‌کرد
- احساس: خشم
- اثر جانبی: -
- کنترل: از دست دادن کنترل
- واکنش: گفتن تو عین خیالت نیست

کوچش به‌صورت تخصصی‌ترین مطالعات را در زمینه احساس انجام داده است و با گذشت زمان مقالات بسیاری را در این حوزه نوشته است و هر احساسی را به‌صورت مجزا در زبان انگلیسی یا مطالعات بین‌زبانی مورد بحث و بررسی قرار داده است (لیکاف و کوچش، ۱۹۸۷؛ کوچش، ۲۰۰۸؛ کوچش، ۲۰۱۷). بدین ترتیب بیشتر مطالعات وی سرلوحه مطالعات احساس در زبان فارسی و دیگر زبان‌ها قرار گرفته است. از نمونه کارهای انجام شده مبتنی بر احساس در زبان فارسی نیز می‌توان به مواردی اشاره کرد که به مطالعه احساس‌های خشم (مولودی و کریمی، ۱۳۹۴؛ ساسانی و ملکیان، ۱۳۹۳)، شادی (زوروز و افراشی و همکاران، ۱۳۹۲)، ترس (شرف‌زاده و زارع، ۱۳۹۱؛ مولودی و کریمی‌دوستان، ۱۳۹۶) و غم (فرشی و افراشی، ۱۳۹۸) پرداخته‌اند و بیشتر به‌صورت روش‌هایی مبتنی بر پیکره به مطالعه حوزه‌های مبدأ و مقصد پرداخته‌اند. هر از چندی نیز در اهداف تعیین شده پژوهش‌ها به بررسی مقایسه‌ای بین احساس‌ها (ملکیان و ساسانی، ۱۳۹۲؛ شریفی مقدم و آزادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸) و یا مطالعات بین زبان فارسی و انگلیسی پرداخته شده است.

بدین ترتیب بررسی عوامل سازنده احساس در متون احساسی که به چه میزان حضور دارند و نقش هر یک از این عناصر برای هر احساس به چه صورت است از جمله اهداف مشخص شده برای این پژوهش است. در ادامه مطالعات انجام شده به بررسی میزان باهمایی این عناصر در جملات احساسی پرداخته شده است تا مشخص گردد که چه ساختارهایی برای هر احساس سرنمون هستند.

۳- روش شناسی پژوهش

به منظور مطالعه ساختار و مفاهیم مورد مطالعه و ترسیم طرحواره احساس در ابتدا می‌بایست دادگان مناسب پژوهش تهیه گردد. بدین ترتیب در ابتدا بدان پرداخته می‌شود که بر اهداف مشخص شده پژوهش به چه نوع از دادگانی نیاز است. بدین ترتیب با استفاده از پیکره بی‌جن خان به شناسایی جملات احساسی پرداخته شد که در آن به صورت مستقیم از یک احساس خاص صحبت شده بود. در مورد پیکره بی‌جن خان نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که این پیکره به دلیل داشتن تنوع و گوناگونی که در محتویات اسناد خود دارا است برای استفاده در این پژوهش بسیار مناسب است. این پیکره مجموعه‌ای است از متون فارسی شامل بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار کلمه است و شامل بیش از ۴۳۰۰ برچسب موضوعی چون سیاسی، تاریخی، تخیلی و دیگر موارد برای متون است (بی‌جن خان، ۱۳۸۳). تهیه اسناد احساسی توسط دو فرد صورت گرفته است. در ابتدا این پیکره به صورت دستی با خوانش دو داور از تمامی متون پیکره "بی‌جن خان" که هر کدام خود به صورت داستانی حداقل ۴۰ صفحه‌ای می‌باشد انتخاب شده است. برخی از مفاهیم کلیدی احساسی نیز همچون لبخند، خنده، شادی، خشم، فریاد، جیغ، ترس و دیگر موارد بدین طریق انتخاب شده است. پس از مدتی با مشاهده برخی از کلمات کلیدی و مفاهیم ادبی به منظور تسریع در انجام امور پژوهشی از این موارد شناسایی شده به منظور پیدا کردن سریع‌تر متون احساسی استفاده شد. با این حال به دلیل این که امکان وجود اشتباهاتی در این زمینه وجود داشت. به طور مجدد هر سند شناسایی شده توسط دو داور مورد بازبینی مجدد قرار گرفت و بدین ترتیب پیکره‌ای ۲۳ هزار جمله‌ای با طول میانگین ۲۴ کلمه انتخاب گردید. از اسناد فراهم شده نیز تعداد ۵۰۰۰ سند که یک نوع از احساس را پوشش می‌دهند انتخاب شده است.

از جمله چالش‌هایی که در این زمینه وجود داشت ابتدا فراهم کردن تعداد اسناد مورد نیاز بود که با استفاده از پژوهش‌های پیشین خود محقق در این زمینه، اسناد مناسبی تهیه شد. همچنین به دلیل آن که برخی از جملات درون خود چندین احساس را پوشش می‌دهند به بررسی جملاتی پرداخته شد که یک احساس را دارند و یا در میان احساس‌های بیان شده یک احساس به طور بارزتری نمایش داده شده است. به طور نمونه در جمله "لحظه‌ای کوتاه از رفتار پژمان می‌خندید، ولی خیلی زود یاد مرگ مادر، او را دوباره افسرده و ملول کرد". احساس غم و شادی با هم در یک جمله به کار رفته است ولی غم مادر و فوت آن ریشه قوی‌تری در جمله دارد. از دیگر موارد چالشی در متون مورد بررسی، جملاتی بود که به طور کلی در مورد احساس نبود و به عنوان بخش فرعی در جمله اصلی حضور داشت. به طور نمونه جملاتی همچون "در حالی که گریه می‌کرد، با دخترش خداحافظی کرد و رفت". از این دست جملات هستند. این جملات نیز به منظور مطالعه پژوهشی کامل در کنار دیگر جملات به هنگام مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

از نکات مبهمی که به هنگام بررسی موارد احساسی توجه پژوهشگران را بخود جلب می‌کرد توجه به افعال و واکنش‌هایی بود که گویی در درون خود اثرات جانبی را به همراه داشتند. به طور نمونه افعالی مثل "خندیدن" و "گریه کردن" به طور همزمان هم می‌توانند به ترتیب واکنش فرد خوشحال و غمگین را نشان دهند و هم به عنوان اثرات جانبی از خوشحالی و غم زیاد نشان داده شوند. با این حال این نمونه از موارد به عنوان واکنش

احساسی در نظر گرفته شد و مواردی همچون "رنگش سرخ شده بود"، "ضربان قلبش تند شده بود"، "بغض تو گلوش داشت خفه‌اش می‌کرد" جزو اثرات جانبی در نظر گرفته شد. مواردی که تغییرات فیزیکی و روحی درون فرد بود به‌عنوان اثر جانبی در نظر گرفته شد و هنگامی که به‌صورت فعلی رخ داده بود به‌صورت واکنش در نظر گرفته شد. از دیگر مواردی که در این زمینه وجود داشت و توجه پژوهشگران را بخود جلب می‌کرد آن بود که افعالی بیانی به نسبی دیگر افعال بیشتر در بخش واکنشی به‌کار برده می‌شد که آن هم به دلیل نوشتاری بودن متون بوده است. به‌طور نمونه افعالی مثل "شیشه شکستن" به هنگام خشم وجود دارد ولی جملاتی با ساختارهای فردی "با عصبانیت گفت"، "با خوشحالی گفت" نیز بسیار مشاهده می‌شود.

به‌منظور بررسی طرحواره کلی، ابتدا به بررسی حضور و یا عدم حضور هر یک از عناصر علت، اثر جانبی احساس، کنترل و واکنش ایجاد شده نسبت به احساس پرداخته شد تا مشخص گردد که این عناصر تا چه میزان در نمایش هر احساس برای زبان فارسی کاربرد خواهند داشت. سپس با توجه به حضوری که عناصر در جمله دارند به مطالعه باهمایی عناصر برای هر احساس خاص پرداخته شد تا مشخص گردد که برای هر احساس چه ساختارهایی سرنمون هستند.

بدین ترتیب مطالعاتی که در حوزه احساس انجام شد نشان داد که خود احساس از طرحواره‌ای کلی تشکیل شده است که در آن عاملی انسانی و غیرانسانی به‌طریقی مخصوص در فرد احساسی را ایجاد می‌کند که این احساس ممکن است اثرات فیزیکی و روانی مخصوص به خود را داشته باشد و در درون فرد کشمکش را ایجاد کند و فرد در مقابله با این کشمکش درونی نتواند احساس خود را کنترل کند و اقدامی را نسبت به آن احساس ایجاد شده در درونش انجام دهد. به‌طور نمونه هنگامی که صدای باد در نیمه‌شب تاریک با پیچیدن در را پله‌های یک‌خانه خرابه فردی را می‌ترساند و ممکن است فرد از ترس دچار تپش قلب شود و رنگش پریده شود. در این میان تلاش برای حفظ خونسردی خود و آرام بودن و یا از ترس فرار کردن سبب انجام اقدامات متفاوتی از فرد می‌شود. به این ترتیب در این بخش به بررسی میزان فراوانی عناصر سازنده احساس و با همایی این عناصر در متن پرداخته شد تا مشخص شود ابتدا که کدام یک از این عناصر بیشتر رخ می‌دهد و همچنین در نحوه نمایش احساس در زبان فارسی چه ساختارهایی سرنمون هستند. در ادامه، این نتایج به‌دست‌آمده از میزان این عناصر برای هر احساس به‌عنوان ویژگی به الگوریتم‌های دسته‌بندی کننده داده می‌شود تا میزان عملکرد این ویژگی‌ها برای طراحی سامانه مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- بررسی حضور و عدم حضور عناصر سازنده طرحواره احساس

به‌منظور انجام این کار، ابتدا برای هر احساس تعداد ۱۰۰۰ جمله احساسی که تنها یک احساس را در خود پوشش می‌داد انتخاب گردید و به بررسی حضور و یا عدم حضور هر یک از عناصر علت، اثر جانبی احساس، کنترل و واکنش ایجاد شده نسبت به احساس پرداخته شد تا مشخص گردد که این عناصر تا چه میزان در نمایش هر احساس برای زبان فارسی کاربرد خواهند داشت. توجه به عناصر علت، اثر جانبی، کنترل و واکنش که هر یک ممکن است در سند احساسی حضور داشته باشند یا بیان نشده باشند ۲۴ حالت یعنی ۱۶ حالت را به

وجود می‌آورد که در ادامه نمایش داده شده است. در حالی که عنصر حضور نداشته است با عدد صفر نمایش داده شده است. در صورت حضور نیز خود عنصر بیان شده است. سپس برای هر یک از این حالات نمونه مثالی بیان گردیده است.

جدول ۱: ساختارهای گوناگون باهمایی عناصر سازنده احساس

•, •, •, •
واکنش, •, •, •
•, کنترل, •, •
•, •, اثر جانبی, •
•, •, •, علت
•, •, اثر جانبی, علت
•, کنترل, •, علت
واکنش, •, اثر جانبی, •
واکنش, کنترل, •, •
واکنش, •, •, علت
•, کنترل, اثر جانبی, •
واکنش, کنترل, اثر جانبی, •
واکنش, کنترل, •, علت
واکنش, •, اثر جانبی, علت
•, کنترل, اثر جانبی, علت
واکنش, کنترل, اثر جانبی, علت

اولین حالت ممکن بیان شده در جدول حالتی است که هیچ یک از عناصر سازنده احساس بیان نشده باشند و تنها به بیان احساس فرد پردازد. همان‌گونه که در جمله زیر مشاهده می‌گردد صحبتی از عاملی که احساس را به وجود آورده است یا واکنش حاصل از احساس نشده است و بدین ترتیب هیچ کدام از دو بخشی که برای طرحواره احساس بیان شده بود آورده نشده است. همچنین اثر جانبی از نوع احساس به وجود آمده همچون تغییر حالات روحی، فیزیکی مشاهده نمی‌شود.

- ندا خیلی غمگین بود
- علت احساس: -
- احساس: غم
- اثر جانبی: -
- کنترل: -

○ واکنش: -

در حالتی که بخش اثر جانبی اهمیت داشته و تنها این بخش حضور داشته است. در جملاتی همچون جمله زیر نیز، صحبتی از عاملی که احساس را به وجود آورده است یا واکنش حاصل از احساس نشده است و بدین ترتیب هیچ کدام از دو بخشی که برای طرحواره احساس بیان شده بود آورده نشده است. با این حال اثر جانبی از نوع احساس به وجود آمده بقدری بوده است که با مفهوم استعاری آتشی که گرمایش ممکن است فرد را بسوزاند نمایش داده شده است.

- آتش خشم تا درون حلق کارولین زبانه کشید و چیزی نمانده بود که زبان او را نیز بسوزاند.
- علت احساس: -
- احساس: خشم
- اثر جانبی: آتش خشم تا درون حلق زبانه کشید و چیزی نمانده بود که زبان او را نیز بسوزاند
- کنترل: -
- واکنش: -

حالتی که عنصر علت به خوبی مشاهده می‌شود ولی در مورد دیگر بخش‌ها صحبتی به میان نیامده است. در جمله زیر از عاملی که احساس را به وجود آورده است صحبت شده است و از جهتی دیگر، واکنش حاصل از احساس بیان نشده است. بدین ترتیب تنها قسمت اول طرحواره که عامل به وجود آورنده احساس است بخوبی نشان داده شده است. همچنین اثر جانبی از نوع احساس به وجود آمده همچون تغییر حالات روحی، فیزیکی مشاهده نمی‌شود.

- ویلی تعجب کرده بود که چرا بازیکن‌ها آن قدر تند و سریع بازی می‌کنند
- علت احساس: بازیکن‌ها آن قدر تند و سریع بازی می‌کنند
- احساس: حیرت
- اثر جانبی: -
- کنترل: -
- واکنش: -

حالت ممکن دیگر، حالتی دوتایی از اثر جانبی و علت احساس است. جمله‌ای همچون این جمله که احساس غم را نشان می‌دهد به عناصری همچون علیت و اثر جانبی پرداخته است و در مورد واکنش صحبتی نشده است. شنیدن صدای فردی به هر دلیلی شاید بخاطر آن که فرد مدتی است صدای گوینده را نشنیده و دلش برای فرد گوینده تنگ شده است باعث شده است تا احساس غم ایجاد گردد. نوع احساس ایجاد شده نیز بقدری بوده است که سبب تغییر حالات روحی روانی فرد شده است و بغض همچون خوردنی راه گلوی فرد را ببندد. با این حال در ادامه جمله بیان نشده است که آیا فرد گریه کرده است یا خیر. به همین دلیل تنها بخش اول طرحواره احساس به همراه اثرات جانبی مشاهده می‌گردد و قسمت دوم که واکنش حاصل از احساس است صحبتی نشده است.

- وقتی صدایش را شنیدم بغض راه گلویم را بست.
 - علت احساس: شنیدن صدای فردی
 - احساس: غم
 - اثر جانبی: بغض راه گلویم را بست
 - کنترل: -
 - واکنش: -
- ساختاری که به بیان علت و عنصر کنترل می‌پردازد. در این حالت نیز، همان‌گونه که در جمله بیان شده است قسمت اول طرحواره که مرتبط با عامل به‌وجود آورنده احساس است بیان شده است. و در ادامه فرد با این‌که از سگ می‌ترسیده است اما تلاش کرده است ترس خود را مخفی کند و کنترل خویش را حفظ کند.
- با آن‌که می‌ترسید سگ گازش بگیرد، سعی می‌کرد آرام بماند.
 - علت احساس: سگ گازش بگیرد
 - احساس: ترس
 - اثر جانبی: -
 - کنترل: سعی می‌کرد آرام بماند
 - واکنش: -
- ساختاری که به بیان از دست دادن کنترل و واکنش منجر می‌گردد. در این جمله نیز علت احساس بیان نشده است و قسمت ابتدایی طرحواره مشاهده نمی‌شود. این‌که فرد از احساس خشم بلند می‌شود و با حرکات و گفتار فیزیکی خود خشمش را نشان می‌دهد مرتبط با قسمت دوم طرحواره است. همین‌که فردی واکنشی را حاصل از احساس خود انجام دهد نشان از آن است که کنترل خود را از دست داده است.
- از خشم بلند شد و در بستر نشست و زیر لب زمزمه کرد: اجازه نخواهم داد من توقف نمی‌کنم و به راهم ادامه می‌دهم.
 - علت احساس: -
 - احساس: خشم
 - اثر جانبی: -
 - کنترل: از دست دادن کنترل
 - واکنش: بلند شد و در بستر نشست و زیر لب زمزمه کرد
- ساختاری که به بیان اثر جانبی و از دست دادن کنترل پردازد و علت و واکنش به‌وجود آمده بیان نشده باشد. در این جمله به بیان اثر جانبی ناشی از احساس شادی پرداخته شده است و به‌طور مستقیم بیان شده است که فرد کنترل خود را از دست داده است ولی از نوع واکنش انجام شده صحبتی نشده است. با مشاهده این حالت، می‌توان گفت که بین دو بخش کلی که برای طرحواره وجود دارد که در مورد عامل و واکنش احساس است، بخش میانی وجود دارد که در مورد اثرات جانبی ناشی از احساس و کنترل کردن خویشتن فرد است.

- او که توی دلش از خوشحالی عروسی بود دیگر نتوانست خوشحالی خود را پنهان سازد.
 - علت احساس: -
 - احساس: شادی
 - اثر جانبی: توی دلش عروسی بود
 - کنترل: از دست دادن کنترل
 - واکنش: -
- ساختاری که با علت و از دست دادن کنترل و واکنش نمایش داده شده است و در این جمله اثر جانبی مشاهده نشده است. هر چند ممکن است در جمله دیگری همین دیدن فردی سبب این شود که فرد حس کند از ترس سکته می‌کند. بدین ترتیب هر دو قسمت کلی طرحواره در این جمله مشاهده می‌گردد.
- مادر با دیدن او از ترس فریادی کشید و فرخ را در آغوش گرفت
 - علت احساس: دیدن او
 - احساس: ترس
 - اثر جانبی: -
 - کنترل: از دست دادن کنترل
 - واکنش: فریادی کشید و فرخ را در آغوش گرفت
- حالتی که به بیان اثر جانبی، کنترل و واکنش پرداخته است. جمله زیر نشان از آن دارد که اثر جانبی این احساس وجود داشته و فرد خود را کنترل نمی‌کرده است و سعی می‌کرده است با مهمان دعوت کردن خوشحالی خود را نشان دهد. در این جمله اثری از علت احساس نیز مشاهده نمی‌شود. بدین ترتیب مطابق با طرحواره احساس نمایش داده شده، اثر جانبی و نوع واکنش انجام شده در این جمله مشاهده می‌گردد.
- رالف از خوشحالی روی پا بند نبود و اصرار داشت آنها را به شامپاینی مهمان کند.
 - علت احساس: -
 - احساس: شادی
 - اثر جانبی: از خوشحالی روی پا بند نبود
 - کنترل: از دست دادن کنترل
 - واکنش: اصرار داشت آنها را به شامپاینی مهمان کند
- ساختاری که به بیان عناصر علت، اثر جانبی و از دست دادن کنترل پرداخته است و واکنش انجام شده در آن بیان نشده است. قسمت ابتدایی طرحواره احساس همان کارهای حمید است که سبب عصبانیت فردی شده است. این احساس به قدری بوده است که رنگ صورت فرد از گرما قرمز شده است و اثر جانبی که در جمله مشاهده می‌شود. از جهتی فرد قدرت تحمل کنترل خود را از دست داده است ولی از نوع اقدام انجام شده صحبتی نشده است.

• حاجی که از دست کارهای حمید رنگ صورتش سرخ شده بود، دیگر تحمل ساکت بودن و حرفی نزدن را از دست داده بود.

- علت احساس: کارهای حمید
- احساس: خشم
- اثر جانبی: رنگ صورتش سرخ شده بود
- کنترل: از دست دادن کنترل
- واکنش: -

ساختاری که تمامی عناصر سازنده احساس از علت، اثر جانبی، کنترل و واکنش حضور دارند. این حالت، از کامل ترین ساختارها که به بیان تمامی اطلاعات مرتبط با احساس پرداخته است. چنین جملاتی هنگامی به کار می‌روند که در جملات قبلی اطلاعاتی در این زمینه وجود نداشته باشد و با بیان همه موارد قصد رساندن مفهوم در یک جمله به مخاطب نمایش داده می‌شود.

- از خبر فرزنددار شدن قلبش از خوشحالی می‌تپید و شروع کرد به رقصیدن.
- علت احساس: از خبر فرزنددار شدن
- احساس: شادی
- اثر جانبی: قلبش از خوشحالی می‌تپید
- کنترل: از دست دادن کنترل
- واکنش: شروع کرد به رقصیدن

به‌طور خلاصه در این بخش، با استفاده از حالتی که در آن برای ۵۰۰۰ سند مشخص شده بود به این پرداخته شد که در این اسناد چه مقدار هر یک از عناصر طرحواره وجود دارد و بدین ترتیب میزان فراوانی تک‌تک عناصر برای هر احساس مشخص گردید. در میان حالات بیان شده، حالتی است که وجود ندارند و رخ نمی‌دهند و آن حالتی است که فرد کنترل خود را از دست ندهد و واکنشی انجام بشود. در حقیقت هنگامی که واکنشی رخ می‌دهد، فرد کنترل خود را از دست داده است و همین هم سبب وقوع واکنش می‌گردد. بدین ترتیب پس از آن که عناصر طرحواره احساس برای ۵۰۰۰ سند مشخص گردید، مشخص می‌شود هر یک از این عناصر چه نقشی را برای هر احساس ایفا می‌کنند. همچنین حالتی وجود دارد که بسامد بسیار کمی دارند و آن حالتی است که فرد کنترل خود را از دست داده باشد و در مورد واکنش ایجاد شده صحبتی بیان نشده باشد.

۳-۲- باهمایی عناصر سازنده احساس

در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته شد که با همایی این عناصر با یکدیگر در متون احساسی چگونه است. هر کدام از این عناصر برحسب آن که در سند احساسی وجود داشته باشند یا نه، وجود تمامی عناصر سازنده احساس و یا غیبت برخی از این عناصر در سند مورد بررسی از نمونه حالات مطرح شده است. طبیعی است که

اهمیت بیشتر برخی از عناصر در لحظه برای نشان دادن احساس علت حضورشان در جمله است و غیبت برخی از این عناصر در سند نشان از آن است که در لحظه این موارد چندان کارایی برای فردی که احساس را تجربه کرده است نداشته است. بررسی این که از این ۱۶ حالت چه حالاتی بیشترین میزان رخداد را برای هر احساس دارد، در شناخت هر چه بیشتر احساس در زبان فارسی مفید خواهد بود. به دلیل ویژگی‌هایی که در زبان فارسی برای جایجایی عناصر و استفاده از فاعل‌های ضمیرانداز و دیگر موارد وجود دارد، بررسی این جملات احساسی، شناسایی عناصر سازنده طرحواره و این که آیا این موارد در سند بیان شده است توسط داور انسانی صورت گرفته است. در ادامه چندین حالت از حالات باهمایی عناصر آورده شده است. همچنین مثال‌هایی برای نمایش این ساختارها آورده شده است. در ادامه برای درک بهتر مفاهیم بیان شده مثال‌هایی از باهمایی عناصر سازنده طرحواره احساس آورده شده است.

- آلیس قهوه را چشید و صورتش رفت توی هم عین زهرمار.

از عناصر سازنده احساس در این جمله تنها اثر جانبی "صورتش از ترس مثل میت شده بود" مشاهده می‌شود. به علت غیبت دیگر عناصر ساختار ۰,۱,۰,۰ را دارد. همان‌گونه که در جمله مشاهده می‌شود از علت به وجود آورنده احساس و اقدامات انجام شده صحبتی نشده است. به همین دلیل تنها اثر جانبی با عدد یک به معنای حضور این ویژگی نمایش داده شده است و بقیه عناصر با صفر به معنای عدم حضورشان نمایش داده شده‌اند.

- برخلاف همیشه که غرغر می‌کرد یا دعوا راه می‌انداخت این بار از سید میوه سببی برداشت و حرفی نزد عصبانی از خودم که چرا باز توضیح دادم.

در این جمله نیز علت احساس که فرد از خودش ناراحت است که چرا حرفی نزده است صحبت شده است ولی بیان شده که فرد خود را کنترل کرده و واکنشی انجام نداده است و ساکت مانده است. بدین جهت دارای ساختار ۱,۰,۰,۰ است.

- داوود در را با شدت بر هم کوبید و زنگ حیاط را فشرد.

در جمله بیان شده به خوبی مشخص است که فرد کنترل خود را از دست داده و با عصبانیت در را به هم کوبیده است تا خشم خود را نشان دهد. در جمله از اثر جانبی احساس و عامل به وجود آورنده احساس صحبتی نشده است. بدین ترتیب این جمله ساختاری ۰,۰,۱,۱ دارد.

- آنها مدتی طولانی را به امید چنین روزی گذرانده بودند و رؤیایها در سر داشتند ولی اینک بازگشت به خانه برایشان وحشت‌آفرین بود.

در جمله بالا نیز عامل بازگشت به خانه سبب ترس فرد شده است و ساختار ۱,۰,۰,۰ مشاهده می‌گردد. از اقدامات انجام شده حاصل از دست دادن کنترل صحبتی نشده است.

- وقتی یک‌دفعه صورت خود را امروز از طرف پنجره به سمت صحبت دخترخانم با آقای دکتر برگرداندم یک‌دفعه نسرین را در مقابل خود دیدم و وحشت این که من در رؤیا هستم؛ چون نسرین خودکشی کرده بود و یکی از دوستان صمیمی ما این اطلاع را داده بودند لذا وحشت سراپایم را گرفت.

در جمله بیان شده نیز دیدن فردی که تصور آن را دارد که زنده نیست سبب احساس ترس شده و اثر جانبی به صورت وحشت سراپایم را گرفت مشاهده می شود. بدین ترتیب ساختار ۱,۱,۰,۰ در این جمله مشاهده می شود. به دلیل آن که بخش دوم طرحواره که مرتبط با اقدامات ناشی از احساس است صحبت نشده است، مقادیر صفر گذاشته شد.

- لحظه‌ای کوتاه از وجود آن مرد ترسید و شروع به فرار کرد.

در این جمله نیز عامل ترس که وجود مرد است مشاهده می شود و احساس ترس درون فرد سبب می شود تا فرد نتواند خویشتن داری کند و اقدام به فرار کند و واکنشی نشان دهد. با این حال اثرات جانبی ناشی از احساس ترس در جمله مشاهده نمی گردد. بدین جهت در این جمله ساختار ۱,۰,۱,۱ مشاهده می شود.

- پکستن از برداشت او از ساوانا خنده اش گرفت و با شوخی گفت دقیقاً همان چیزی است که می گویی برای همین من در ساوانا زندگی نمی کنم

در این جمله که به بیان احساس شادی پرداخته می شود فرد از برداشت فردی دیگری احساس خندیدن می کند و با شوخی کردن و خندیدن واکنش خود را از برداشت فرد مقابل نشان می دهد. خندیدن را می توان نوعی واکنش دانست که اثرات جانبی تغییرات فیزیکی و روحی را همراه خود دارد. بدین جهت این جمله ساختار ۱,۱,۱,۱ را دارد

- علی خیلی خوشحال بود

در جمله بالا تنها احساس فرد بیان شده است و از دیگر عناصر که چه عاملی سبب خوشحالی فرد شده است و چه اثری داشته است و یا این که فرد از خوشحالی چه اقدامی کرده است صحبت نشده است. بدین جهت ساختار ۰,۰,۰,۰ در جمله مشاهده می شود.

- چقدر خوشحال بود ویلی، آن قدر خوشحال که همه راه را تا خانه دویده و رقصیده بود

در این جمله نیز احساس خوشحالی فرد سبب شده است تا فرد تمام راه را با دویدن و رقصیدن انرژی درونی خود را تخلیه کند. از جهت آنکه فرد واکنش نشان داده است یعنی نتوانسته است کنترل خویش را حفظ نماید و کنترل خود را از دست داده است. بدین ترتیب جمله ساختار ۰,۰,۱,۱ را دارد.

- اکبر با چشمان از حدقه درآمده فهمید که ارباب امروز سرحال است

در این جمله فرد انتظار نداشته است که حال اربابش خوب باشد ولی وقتی این را فهمیده است سبب احساس تعجبش شده است و باعث شد تعجب کند و از تعجب حالت چشمانش تغییر کند. در مورد اقدامات انجام شده از احساس تعجب نیز صحبتی نشده است، بدین ترتیب این جمله ساختار ۱,۱,۰,۰ دارد.

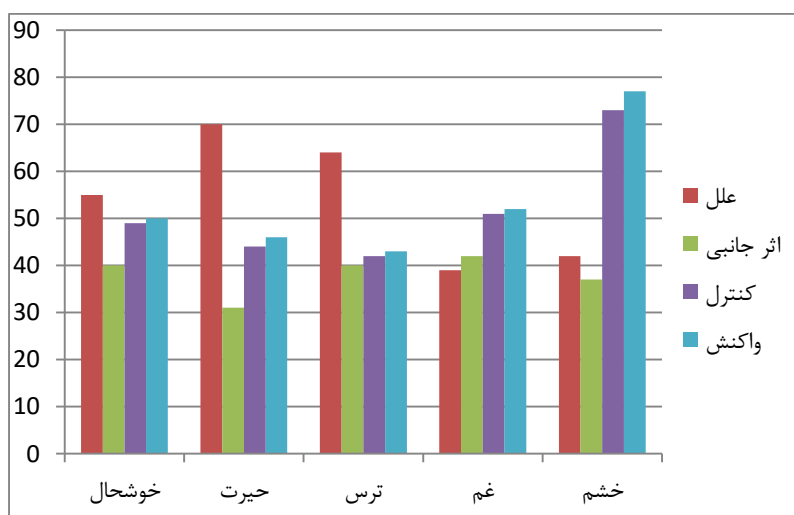
- باکمال تعجب از اهل قافله پرسید این شخصی را که مشغول خدمت و انجام کارهای شماست می شناسید

در این جمله نیز وجود فردی که برای قافله کار می کرده به هر دلیلی سبب احساس تعجب فرد شده است. پرسیدن سؤال ناشی از احساسی بوده است که در درون فرد ایجاد شده است. بدین ترتیب ساختار ۱,۰,۱,۱ در جمله مشاهده می شود.

- برای مرگ او اشک می‌ریختند
- عامل مرگ سبب احساس غم در افرادی شده و همین هم سبب شده که فرد نتواند خود را کنترل کند و شروع به گریه کردن بکند. اشک ریختن به علت تغییرات فیزیکی که در چهره عادی افراد دارد به‌عنوان اثر جانبی نیز در نظر گرفته می‌شود. پس عوامل همگی در این جمله حضور دارند و به‌صورت ۱,۱,۱,۱ است.
- هاله با شنیدن این سخن غم عجیبی بر دلش نشست.
- در این جمله نیز عامل شنیدن جمله‌ای است که سبب شده فرد غمگین شود. غم بر دل نشستن نیز اثر جانبی احساس است. از اقدامات ناشی از احساس غم نیز صحبتی نشده است. بدین ترتیب ساختار این جمله ۱,۱,۰,۰ نیز ساختار جمله است.
- در ادامه پس از آن که برای هر جمله نوع حالت بیان شده از حضور و عدم حضور هر یک از عناصر طرحواره مشخص گردید به بررسی میزان فراوانی هر یک از این حالات برای هر احساس پرداخته شد تا ساختارهای سرنمون هر احساس مشخص گردد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از آن که مشخص شد در این اسناد مورد بررسی چه مقدار از هر یک از عناصر مطرح شده طرحواره وجود دارد، نمودار میزان فراوانی این عناصر برای هر یک از احساس‌ها ترسیم گردید. تفاوت‌هایی که در میزان فراوانی هر یک از این عناصر وجود دارد سبب شناخت بیشتر ما از هر احساس می‌گردد. سپس به بررسی میزان باهمایی این عناصر در متون فارسی پرداخته شد تا مشخص گردد که از این عناصر چه عناصری بیشتر با هم به کار برده می‌شوند و چه ساختارهایی برای نمایش هر احساس سرنمون هستند.



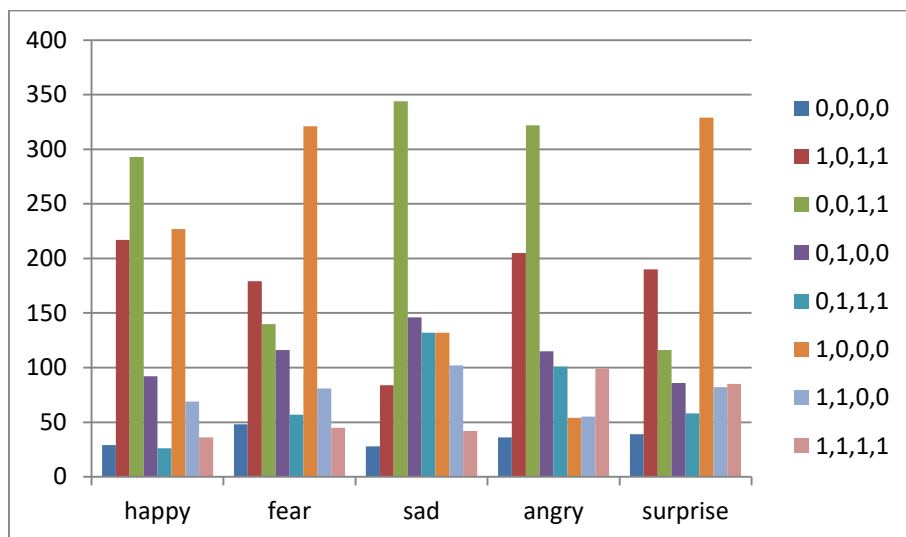
نمودار ۱: نمودار میزان فراوانی عناصر سازنده احساس

پس از آن که به بررسی میزان فراوانی هر یک از عناصر مطرح شده علت، اثر جانبی، کنترل و واکنش احساس پرداخته شد تا مشخص گردد برای هر احساس این عناصر به چه میزان حضور دارند. در بخشی بعدی به میزان باهمایی عناصر سازنده توجه شد. همان گونه که پیش تر گفته شد برحسب این که این عناصر حضور داشته باشند یا نه، چندین حالت ایجاد می شد و بسامد هر یک از این حالات برای هر احساس محاسبه شد که چند بار رخ داده اند. در ادامه این بخش در نمودار میزان باهمایی این ساختارها نمایش داده شده است. از ذکر دیگر ساختارهای ممکن به علت این که تعداد انگشت شماری در متون رخ داده است صرف نظر شد.

جدول ۲: ساختارهای پربسامد باهمایی عناصر سازنده احساس در زبان فارسی

واکنش، کنترل، اثر جانبی، علت
،،،،،
واکنش، کنترل، ،، علت
،،،،، واکنش، کنترل، ،،
،،،،، اثر جانبی، ،
واکنش، کنترل، اثر جانبی، ،
،،،،، علت
،،،،، اثر جانبی، علت
واکنش، اثر جانبی، کنترل، علت

بدین ترتیب فرد کنترل خود را از دست داده و اقدامی انجام داده است، ساختاری که به بیان اثرات جانبی ایجاد شده از احساس پرداخته است همچون "غم در دلش لونه کرده"، "زهره ترک شدن"، ساختارهایی که به تنهایی به بیان علت احساس می پردازد، ساختارهای ترکیبی از اثرات جانبی، از دست دادن کنترل و واکنش ناشی از احساس ایجاد شده، ساختارهای ترکیبی از علت، از دست دادن کنترل و اقدام به فعالیت فرد می پردازند و یا ساختارهای ترکیبی از علت و اثر جانبی از نمونه موارد ساختارهای پربسامد هستند. از دیگر ساختارهای پربسامد دیگر نیز می توان به ساختارهایی اشاره کرد که همه عناصر سازنده احساس حضور دارند یا عناصر سازنده بیان نشده است. در ادامه میزان رخداد هر کدام از این ساختارها برای احساس های گوناگون نمایش داده شده است.



نمودار ۲: نمودار میزان فراوانی باهمایی عناصر سازنده برای هر احساس

همان‌گونه که در نمودار و جدول مشاهده می‌شود در زبان فارسی تمایل برنشان دادن به واکنش حاصل از احساس به‌عنوان ساختاری سرنمون در احساس‌های غم، شادی، خشم مشاهده می‌گردد. در مورد این مطلب می‌توان بیان کرد که این‌گونه از احساسات سبب هیجان در بیان می‌گردند که کنترل کردن این احساس‌ها امری بسیار دشوار است و فرد این انرژی مازاد ایجاد شده را سعی در کاستن و به حالت طبیعی رساندن می‌کند. از جهتی دو احساس ترس و حیرت نیز بیشترین فراوانی ساختاری را در نمایش علت احساس داشته‌اند. در احساس‌های ترس و حیرت بیشتر ساختارهایی که به بیان علت ناشی از احساس می‌پردازد از ساختارهای سرنمون است. در طرحواره احساسی این دو احساس، چندان واکنش خاصی مشاهده نمی‌گردد و در مورد احساس تعجب که معمولاً به حالت سکون فرورفتن مشاهده می‌شود و همین حالت در نیمی از موارد برای احساس ترس در فرد نیز وجود دارد درست مشابه زمانی که فرد احساس می‌کند از ترس ممکن است سخته کند یا حالتی که از ترس جرأت نمی‌کند تکان بخورد. آنچه در این احساس‌ها اهمیت بسزایی دارد بخش اول طرحواره است که مرتبط با عوامل به‌وجود آورنده احساس ترس و حیرت است.

۵- نتیجه‌گیری

تحلیل صورت‌گرفته بر داده‌های موجود سبب شد تا نتایج زیر کسب شود:

۱. از بررسی میزان حضور و باهمایی عناصر سازنده احساس به‌صورت کلی، در میان حالات بیان شده حالت‌هایی است که وجود ندارند و رخ نمی‌دهند. آن حالتی است که فرد کنترل خود را از دست ندهد و واکنشی انجام بشود. در حقیقت هنگامی که واکنشی رخ می‌دهد، فرد کنترل خود را از دست داده است و همین هم سبب

وقوع واکنش می‌گردد. همچنین حالاتی وجود دارد که بسامد بسیار کمی دارند و آن حالاتی است که فرد کنترل خود را از دست داده باشد و در مورد واکنش ایجاد شده صحبتی بیان نشده باشد.

۲. در ادامه با استفاده از طرحواره احساس به بررسی میزان وقوع عناصر سازنده احساس برای هر احساس به‌طور تخصصی پرداخته شد و مشخص گردید که هر احساس برای نشان دادن احساس درونی خود بیشتر از چه ساختارهایی استفاده می‌کند.

ا. به‌طور نمونه احساس خشم بیشتر به قسمت نهایی طرحواره در از دست دادن کنترل و واکنش پرداخته می‌شود و در طرحواره کلی رسم شده برای احساس، تمرکز خشم بر قسمت دوم طرحواره است.

ب. احساس‌های حیرت و ترس بیشتر عامل ترس اهمیت دارد و در طرحواره کلی رسم شده برای احساس، تمرکز احساس‌های حیرت و ترس بر قسمت اول طرحواره است.

ت. در احساس‌های غم و شادی به‌طور میانه حضور تمامی عناصر مشاهده می‌گردد و در طرحواره کلی رسم شده برای احساس، تمرکز شادی و غم بر هر دو قسمت طرحواره است.

آنچه از نتایج به‌دست آمده از نمودارها درک می‌گردد آن است که در احساس خشم بیشترین عنصر به‌کار رفته در نمایش احساس، واکنش فرد عصبانی است. چراکه فرد به‌هنگام عصبانیت حفظ کنترل خویشتن برایش سخت است و معمولاً با فریاد زدن، دعوا کردن، خراب کردن و مواردی از این‌دست سعی در آرام نمودن اعصاب خویش می‌کند. همین عنصر واکنش در احساس‌های ترس و حیرت کمتر مشاهده می‌گردد. علت آن را نیز می‌توان در این دانست که فردی دچار احساس حیرت و یا ترس شده بیشتر به عاملی که این احساس را به‌وجود آورده است پرداخته است و این‌گونه از احساس به واکنش‌هایی همچون برجای خود ماندن بیشتر تمایل دارند. هر چند که در مورد احساس ترس، فرد ممکن است به واکنش‌هایی همچون فرار کردن نیز بپردازد. در مورد دو احساس غم و شادی نیز تمامی عناصر سازنده احساس نقش میانه‌ای را دارند و واکنش‌های ناشی شده از این احساس‌ها همچون گریه کردن، خندیدن، بغض کردن در درون خود اثر جانبی احساس را نشان می‌دهند که فرد از غم بسیار گریه می‌کند و از خوشحالی زیاد می‌خندد.

۳. به‌طور کلی سه ساختار جزو ساختارهای پر بسامد در زبان فارسی برای نمایش احساس هستند. ساختارهایی که به بیان علت احساس پرداخته می‌شود، ساختارهایی که به نمایش از دست دادن کنترل و اقدامات انجام شده توسط فرد منتهی می‌شود و ساختارهای ترکیبی از دو ساختار بالا از جمله ساختارهای سرنمون در زبان فارسی هستند. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که احساس غم، شادی و خشم بیشتر به ساختارهایی که واکنش در آنها صورت گرفته است تمایل دارند و احساس حیرت و ترس بیشتر به ساختارهایی که به علت ایجاد کننده این احساس‌ها می‌پردازند.

۴. از دیگر نتایج به‌دست آمده آن است که ساختاری که عنصرهای علت، اثر جانبی، کنترل و واکنش همه باهم حضور نداشته باشند بسیار کم رخ می‌دهد. علت آن را در این می‌توان دانست که به دلیل آن که این جملات چندان حاوی اطلاعات مهم نیستند کاربرد زیادی ندارند. از چپتی ساختارهایی که تمامی این عناصر حضور داشته باشند جزو ساختارهای سرنمون نیست. علت این امر را نیز می‌توان در آن دانست که اصل

اقتصاد و مکفی بودن زبان به این اشاره دارد که جملات حاوی اطلاعات مهم از نظر گوینده باشند و در موقعیت‌های مختلف این اطلاعات همه با هم چندان ضروری نیست. ساختارهایی این نیز که به‌طور مستقیم به بیان اثر جانبی احساس می‌پردازند به نسبت دیگر ساختارها جزو ساختارهای میانه هستند که در جملات احساسی رخ می‌دهند.

منابع

- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۳). «نقش پیکره‌های زبانی در نوشتن دستور زبان: معرفی یک نرم‌افزار رایانه‌ای»، *مجله زبان‌شناسی*، شماره ۱۹ (۲)، ۴۸-۶۷.
- زورورز، مهدیس؛ افراشی، آریتا و عاصی، سید مصطفی (۱۳۹۲). «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره مدار»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، شماره ۹.
- ساسانی، فرهاد و ملکیان، معصومه (۱۳۹۳). «مفهوم سازی خشم در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، شماره ۱۱.
- شرف‌زاده، محمدحسین و زارع، امین (۱۳۹۱). «بررسی شناختی مفهوم استعاری ترس در زبان فارسی»، *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*، شماره ۲۸۰: ۴۰۰-۴۰۷.
- شریفی‌مقدم، آزاده؛ آزادیخواه، مریم و ابوالحسنی‌زاده، وحیده (۱۳۹۸). «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی»، *زبان پژوهی*، ۱۱ (۳۰): ۲۰۲-۱۷۹.
- فرشی، وجیهه و افراشی، آریتا (۱۳۹۸). «تفاوت‌ها و شباهت‌های مفهوم سازی غم در زبان خودکار و زبان شعر: رویکردی شناختی»، *جستارهای زبانی*، ۱۱ (۱): ۲۱۷-۱۹۳.
- ملکیان، معصومه و ساسانی، فرهاد (۱۳۹۲). «بیان استعاری غم و شادی در گفتار روزمره»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، شماره ۳ (۵): ۱۱۴-۱۳۹.
- مولودی، امیرسعید؛ کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۹۶). «رویکرد پیکره بنیاد به استعاره‌های شناختی در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد ترس»، *هنر زبان*، (۴).
- مولودی، امیرسعید؛ کریمی‌دوستان، غلامحسین و بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۹۴). «کاربست رویکرد پیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاری در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد خشم»، *پژوهش‌های زبانی*، شماره ۶ (۱): ۹۹-۱۱۸.
- Ekman, Paul (1992). "An argument for basic emotions", *Cognition & emotion* vol. 6 (3-4): 169-200.
- Kövecses, Zoltan (2000), "Metaphor and Emotion: Culture, Language, and Body in Human Feeling", *Cambridge University Press*.
- Kövecses, Zoltan (2008), "The conceptual structure of happiness", *Happiness: Cognition, experience, language*, 131-143.
- Kovecses, Zoltan (2010), *Metaphor: A practical introduction*, Oxford University Press.

- Kövecses, Zoltan (2017), "Levels of Metaphor", *Cognitive Linguistics*, Vol. 28(2): 321-347.
- Lakoff, George. and Kövecses, Zoltan (1987), "The cognitive model of anger inherent in American English", *Cultural models in language and thought*, 195-221.
- Talmy, Leonard (1988), "Force Dynamics in Language and Cognition", *Cognitive Science*, 12(1): 41-100.